

## جمع در زبان دری

نوشته زیر بخشی از یکی از مقاله های است که تحت عنوان "برخی از شکل‌های نگارشی و املائی از نگاه دستور زبان" سالها قبل توسط پوهاند حسین یمین استاد دیپارتمنت زبان و ادبیات دری پوهنتون کابل، به رشته تحریر در آمده در شماره ششم، سال شصت و یکم (سنبله، ۱۳۶۲) مجله عرفان به چاپ رسیده است. هدف از نشر جزئی از این مقاله در این جا آنست تا از یکسو علاقه مندان زبان دری را با کارهای قبلی دانشمندان این زبان آشنا سازیم و از سوی هم به ویژه گیهای نگارشی زبان دری اشاره نموده راه را برای بحثهای بعدی در این زمینه باز نماییم. وب سایت زبانهای افغانستان، در صورت دسترسی به همچو نوشته ها، در آینده نیز به نشر آنها اقدام خواهد نمود.

### برخی از شکل‌های نگارشی و املائی از نگاه دستور زبان

پوهندوی حسین یمین

۴- پسوند جمع: پسوند جمع که مفهوم بیش از یک را میرساند در زبان دری اصلاً عبارت از "ها" و "آن" است.

پسوند "ها" غالباً با اسمهای بیجان می آید. این پسوند با واژه های متعلق به بیجانها یا جانداران خواه مختوم به مصوت باشند یا صامت بدون تغییر به کار رود، چون: خانه ها، لیموها، آلوها، عصاها، میزها، آدمها، مورچه ها، و نظایر آن.

این پسوند هنگامی که با اسمهای مختوم به حرف متصل آید باید در نوشتار پیوست نگاشته شود، مانند: کتابها، قلمها، پرسها موجهها، چوکیها، پستیهار غیره. و اما پسوند « آن » که غالباً با اسمهای جاندار به کار میرود دارای چند شکل مغایر صرفی ( الومورف ) است ، البته این شکلهای مغایر مربوط به واك انجامی و اژه است که این پسوند با آن استعمال میشود .

چنانچه اسم جاندار مختوم به مصوت « آ » و « یا » و « ی » یعنی واو مجهول باشد آنگاه قبل از پسوند ، یکک نیم مصوت « ی » افزود گردد ، مثلاً : آشنایان دانایان ، زیبا یان ، نانوایان ، دانشجویان ، مهرویان . . . .

هر گاه اسم جاندار مختوم به مصوت « ی » یعنی یای معروف باشد در آن صورت نیز در گفتار قبل از این پسوند نیم مصوت « ی » افزوده شود و بعضاً در این مورد مصوت پایانی واژه یعنی « ی » معروف به نوع کوتاه آن یعنی کسره تبدیل گردد ، اما در نوشتار از اینکه دو حرف از یک نوع و همشکل است و نیز نسبت تبدیل مصوت انجامی واژه ، به یک « ی » بسته گردد ، چون : زنگی - زنگیان ( زنگیان ) ، بلخی - بلخیان ( بلخییان ) ، فراری - فراریان ( فرارییان ) ، مصری - مصریان ( مصرییان ) . . . .

و اگر اسم جاندار مختوم به مصوت « ه » باشد آنگاه میان اصل و تداک « گ » اضافه شود، چون : پرنده - پرندهگان، خواننده - خوانندهگان، گرسنه - گرسنهگان . . . . از اینکه بعضاً گویند که در این موارد « ه » انجام واژه به « گ » بدل شده است (۱) درست نمینماید ، زیرا با وجود آمدن پسوند جمع « گان » مصوت در آخر واژه باز هم از میان نرفته به حال خود است ، پس بهتر است که در نوشته نیز به حال خود ماند هر گاه پسوند « آن » با اسمهای متعلق به اعضای بدن انسان و اسم جاندارانی

( ۱ ) سید کمال طالقانی ، دستور زبان فارسی ، ۱۳۴۰ ، ص ۷ ؛ استاد بیتاب دستور زبان فارسی ، فاکولتة ادبیات ، ۱۳۳۳ ، ص ۱۹ ، و بعضی دیگر .

که مختوم به مصوت « و » یعنی واو معروف باشد پیایند قبل از پسوند نیم مصوت « و » اضافه شود ، آنگاه در گفتار این پسوند یعنی « وان » و مصوت انجا می واژه یعنی واو معروف به وضاحت دیده میشود ، اما نسبت اینکه در نوشته دو حرف همشکل پهلوی هم آمده و هم از این که واو معروف که مصوت دراز است بعضاً در گفتار به نوع کوتاه خود یعنی مصوت ضمه تبدیل شود بنابراین ، در نوشتار تنها به یک « و » اکتفا میگردد یعنی واو پسوند ثابت میماند ، بدین گونه :

بازو - بازوان ( بازووان ) ، بانو - بانوان ( بانووان ) ، آهو - آهوان  
( آهووان ) ، جادو - جادوان ( جادووان ) . . . .

گذشته از نکات فوق در زمینه جمع بستن اسم در زبان دری پیایند در این موارد نیز جداً توجه کرد :

الف ) اسمهای دری را نباید به اساس قواعد زبان عربی با پسوند « آت » که جمع تانیث است ، جمع بست ، چنانکه از جمع بستن واژه های باغ ، کوهستان ، پرزه ، جنگل ، سبزی امثال آن به شکل باغات ، کوهستانات ، پرزه جات ، میوه جات ، جنگلات ، سبزیجات باید خود داری کرد یعنی آنها را باید با پسوند جمع « ها » به کار برد و گفت یا نوشت : « باغها ، کوهستانها ، پرزه ها ، میوه ها ، سبزیها ، دستها ، جنگلها . . . .  
ب ) اسمهای که یکبار جمع شده است نباید آنها را دو باره جمع بست حتی آن عده جمع الجمع های معدود عربی را که در دری معمول شده است نیز نباید مورد استعمال قرار داد ؛ از قبیل : امر ، امور ، امورات ؛ حال ، احوال ، احوالات ؛ عجیب ، عجایب ، عجایبات . . . .

بنابراین ، از دوباره جمع بستنهای ذیل باید جداً خود داری کرد :  
اشخاصها که مفردش شخص و جمع آن اشخاص است .  
مایان که مفردش من و جمع آن ما است .  
شماپان که مفردش تو و جمع آن شما است .

البته امروز یک عده از اسمیه‌ها معمول است که خود جمع اند، اما نسبت یک عمل دسته جمعی واحد حکم مفرد را به خود گرفته است. بنا بر آن، میتوان آنها را دو باره جمع بست؛ از قبیل:

عملیات - عملیاتها، تطبیقات - تطبیقاتها . . . . .

خ ( اسمهای عربی معمول در زبان دری را باید مانند اسمهای دخیل از سایر زبانها در زبان دری مطابق به قواعد دری جمع بست؛ مثلاً: محصل و محصلان، معلم و معلمان، عالم و عالمان . . . . .

این روش موافق به مشخصه، زبان دری برتری دارد؛ چنانکه بسا استعمال صورت « محصلین » در بعضی مواقع ایجاب میکند که در پهلوئی آن همچنان نوشته شود « محصلان » و این کار به ذات خود صرفه جویی در زمینه استعمال زبان نیست، اما اگر گفته یا نوشته شود: « محصلان » به گونه واژه « شاگردان » هر دو گروه « دختر و پسر » را در بر میگیرد و از اطالة سخن میبکاهد؛ همچنان رعایت این نکته گوینده یا نویسنده را وادار دارد که قواعد جمع عربی خصوصاً اوزان جمع مکسر را که بیشتر به سماع تعلق دارد، حفظ کند.